

هاشمی رفسنجانی و بعضی روسای مجلس، خلاف نظر رهبری عمل کردند

انتقاد یک روزنامه از ظلم هایی که بر رهبر انقلاب می شود

از نگاه غلط افکار عمومی، حکومت به دلیل برخورداری از قوه قهریه همچون پلیس، دستگاه های امنیتی و قضایی می تواند از حقوق خود دفاع کند و این افراد هستند که فاقد این ابزارند و نمی توانند از خود نسبت به ظلمی که بر آنها روا داشته شده، دفاع کنند.

به گزارش سایت خبری پرسون، روزانه صدها مطلب در شبکه های مجازی در رابطه با فرزندان رهبر معظم انقلاب می چرخد و اتهام های سراسر دروغ به بیت رهبر انقلاب زده می شود و هیچ کسی از خود سؤال نمی کند این حجم مطالب دروغ چرا و با چه هدفی منتشر می شود؟

این در حالی است که حتی مخالفان و بلکه فراتر از آن دشمنان رهبری، به صراحت بر سلامت زندگی شخصی معظم له و خانواده ایشان اذعان دارند. تا جایی که عطاءالله مهاجرانی که از منتقدان جدی حکومت محسوب می شود و با توجه به اقامتش در خارج، هیچ نیازی به تعریف و تمجید از نظام سیاسی ایران و رهبری آن ندارد، در مقابل ده ها دوربین و خبرنگار می گوید: «من آیت الله خامنه ای را خوب می شناسم و می دانم که در تمام زندگی اقتصادی خود و خانواده اش، نقطه سیاه که هیچ، حتی یک نقطه خاکستری هم نمی توان یافت.» یا «حسین یزدی» که از عوامل حکومت طاغوت بوده و از رهبران فعال مخالف انقلاب اسلامی در خارج از کشور به حساب می آمد و در سال ۱۳۹۸ به پاس خدمات او، فرح پهلوی مراسم بزرگداشتی برای او برگزار کرده است، در رابطه با امام خمینی (ره) و حضرت آیت الله خامنه ای، رهبر حکیم انقلاب می گوید: «هیچ شکي در پاکی امام خمینی و رهبر انقلاب، آیت الله خامنه ای وجود ندارد و در رابطه با رهبری هیچ چیزی که به ضرر آنها باشد، هویدا نشده است».

چرا با وجود آنکه چنین سخنانی در رابطه با رهبر انقلاب در فضای سیاسی و مجازی داخل و خارج منتشر می شود، افکار عمومی تحت تأثیر دروغ های شاخدار و خبرسازی های مسموم شبکه های خبری در توپیتر، اینستاگرام و... قرار می گیرند؟ چگونه است که برخورد یک مأمور گشت و ارشاد با زنی که مبنای و چارچوب های شرعی جامعه را زیر پا گذاشته است، ظلم محسوب شده و خبر آن «ترند» توپیتر می شود، اما انتشار هزاران دروغ به شخصیتی که دوست و دشمن بر سلامت اخلاقی و اقتصادی او و خانواده اش اعتراف می کنند، ظلم محسوب نمی شود؟

رهبری مسئول سیاست های کلان نظام است و به صراحت می تواند گفت هیچ سیاستی در نظام وجود ندارد که رهبری انقلاب سیاست کلان آن را تاکنون ابلاغ نکرده باشند؛ چشم و انداز ۲۰ ساله، سیاست های کلان شورای انقلاب و فرهنگی، سیاست های کلان آموزش و عالی، آموزش و پرورش، حتی این اواخر سیاست های کلان در حوزه تأمین اجتماعی و ده ها سیاست کلان دیگر.

چرا با وجود اینکه رهبری انقلاب وظیفه خود را به و نهواحسن انجام داده اند، باز نوک پیکان حمله در ضعف ها و کاستی ها به سمت ایشان نشانه می رود و افرادی که خود روزگاری نه چندان دور در این کشور مسئولیت داشته اند، تلاش نمی کردند که با اجرای این سیاست های کلان حرکت کشور در ریل درست قرار بگیرد و امروز در جایگاه مدعی قرار گرفته و حرف های آنها از شبکه های دشمن پژواک می شود. آیا این ظلم آشکار دیگری به نظام نیست؟

رفتار برخی روسای مجلس را در دوره های هائی نمی توان فراموش کرد. در زمان حیات امام راحل مصوبه ای را مجلس می خواست به تصویب برساند. برخی نمایندگان که نگاه امام (ره) را نسبت به آن موضوع می دانستند، به مرحوم هاشمی رفسنجانی می گفتند این مصوبه خلاف نظر امام (ره) است و ایشان می گفتند برای تصویب قیام بفرمایید و با یک قیام و قعود مصوبه ای از مجلس می گذشت که خلاف نظر امام (ره) بود.

همشهری

در دوران رهبری آیت الله خامنه ای نیز روسای مجلسی بودند که وقتی به آنها گفته می شد این مصوبه خلاف نظر و سیاست های کلی فلان بخش ابلاغ شده از سوی رهبری است، به صراحت می گفتند شما تصویب کنید، من نظر رهبری را جلب می کنم.